

# طالبوف و مسالک المحسنين

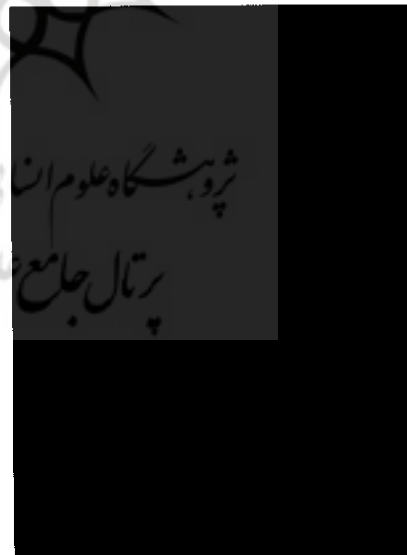
○ رضا شجری قاسم خلیلی

عبدالرحیم فرزند شیخ ابوطالب ابن علیمراد معروف به «طالبوف»، به سال ۱۲۵۰ هـ.ق. در محله سرخاب تبریز دیده به جهان گشود. پدرش در تبریز به کار درودگری اشتغال داشت، اما فرزند به آن کار دل نبست و در سن شانزده یا هفده سالگی تبریز را به قصد تفلیس ترک نمود. او در آنجا به کار «مقاطعہ کاری» پرداخت و کم کم تمول قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و در شهر «تمرخان شوره»، مرکز داغستان مقیم گردید. وی در قفقاز، با زنی شیعه مذهب اهل دربند ازدواج کرد.<sup>۱</sup>

طالبوف در تفلیس به تحصیل زبان و ادبیات روسی مشغول شد و سپس به ترجمه آثار علمی از زبان روسی به فارسی و نگارش کتاب‌های خود پرداخت. بیشتر کتاب‌های او در مطبعه‌های «اسلامبول» و «قاهره» به چاپ رسید. با وجود اینکه از ورود آثار او به داخل ایران جلوگیری می‌کردند<sup>۲</sup> و مطالعه کتب او ممنوع<sup>۳</sup> و نویسنده آن نیز تکفیر گردیده بود،<sup>۴</sup> آثار او «نقل مجلس ایرانیان شده»<sup>۵</sup> و یکی از «انگیزه‌های بیداری ایرانیان»<sup>۶</sup> گردید.

بعد از به ثمر رسیدن مشروطیت به سال ۱۳۲۴ هـ.ق. مردم آذربایجان او را به سمت نمایندگی مجلس انتخاب نمودند. اما طالبوف به عللی چندکه در حوصله این مقاله نیست، به تهران نیامد. او در اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ هـ.ق. در تمرخان شوره داغستان درگذشت.<sup>۷</sup>

مجموعه تألیفات و ترجمه‌های طالبوف عبارتند از: کتاب احمدیا سفینه طالبی، (۲ج)، سفرنامه آبگرم، نخبه سپهری (در زندگی پیامبر اسلام)، مسالک المحسنین، مسائل الحیات، ایضاحات در خصوص



■ مسالک المحسنین، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی

■ تألیف: عبدالرحیم طالبوف

■ ناشر: انتشارات شبگیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶

طالبوف قلمی سیال و به  
دور از هرگونه تکلف دارد،  
به همین جهت است که او  
را از «موجدین و  
بنیانگذاران نثر جدید»  
می دانند

در کتاب  
«مسالک المحسنين»  
سرگذشت گروهی از  
مسافرين جوان در مسیر  
دماوند و مازندران با قلمی  
بسیار زنده و جالب بیان  
گردیده و صفات اخلاقی  
صنوف مختلف مردم با  
دقت ترسیم شده است



### وکلای آذربایجان در مجلس اول

۱۱. حاج میرزا اکبر کیم آقا تبریزی، ۱۲. مستشارالدوله صادق، ۱۳. طالب ف، ۱۴. میرزا مصطفی آقا تبریزی، ۱۵. شرف الدین، ۱۶. کاظم، ۱۷. آیت الله، ۱۸. آخوندزاده، ۱۹. حاج میرزا قاضی

المحسنين از حيث انشاء و زیبایی اسلوب بهترین تألیف طالبوف است. در این کتاب سرگذشت گروهی از مسافرين جوان در مسیر راه با قلمی بسیار زنده و جالب بیان گردیده و صفات اخلاقی صنوف مختلف مردم با دقت ترسیم شده و خواننده پایه پای قهرمان داستان، قضایا را پی می گیرد. مؤلف در سراسر کتاب از احوال مردم، گرفتاری های کشور و هرگونه موضوع عمومی و اجتماعی از زبان مسافرين، سخن به میان می آورد. این گفتگوها اگرچه از نظر خوانندگان امروزی فوق العاده ابتدایی است، ولی برای مردمان آن روز ایران دارای اهمیت خاصی بوده است؛ زیرا برای نخستین بار آنها را وادار می کرده است که درباره مسائل زیادی که مانند یک چیز موروثی از اسلاف خود گرفته و به حکم عادت آن را طبیعی و عادی و غیر قابل تغییر و تصرف می دیدند، تفکر و تأمل کنند. به عقیده طالبوف وضع موجود به هیچ وجه نمی تواند کمال مطلوب زندگی باشد و بسیاری از اخلاق و عادات و رسوم ممکن است دگرگون شود. همچنین باید با شرایط زندگی که پیوسته در حال تغییر و تحول است همساز و هماهنگ شد.

این کتاب به صورت سفرنامه نگارش یافته است، اما شرح یک سفر خیالی: در روز دوشنبه ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۰ ه.ق. هیأت پنج نفره، به ریاست محسن بن عبدالله، دو نفر مهندس، یک نفر طبیب و یک نفر معلم شیمی، از «اداره جغرافیایی موهوم مظفری» مأمور می شوند که به قله کوه دماوند صعود کرده و محدوده یخ طرف شمال آن را ملاحظه کنند و «ارتفاع قله را مقیاس بگیرند» و... این مأموریت را در دوسه ماه به اتمام رسانند. رفقای سفر «بی نوکر و دواب» رهسپار می شوند.

آزادی، سیاست طالبی، ترجمه کتاب فیزیک یا حکمت طبیعی، ترجمه پند نامه مارکوس قیصر روم، ترجمه رساله هیئت جدید. همچنین برخی از اشعار و مقالات وی در روزنامه ملی یا انجمن تبریز، به چاپ رسیده است.<sup>۸</sup>

طالبوف بعد از انصراف از نمایندگی مجلس برای «مدافعه» از برخی حملاتی که به او شده بود، قصد داشت «تیاتر» یا نمایشنامه ای بنویسد، ولی گویا موفق به نگارش این نمایشنامه نشد.<sup>۹</sup>

در اینجا یکی از مهمترین آثار طالبوف تبریزی که واکنش های مختلف و متفاوتی را در محافل داخلی زمان خود برانگیخت و سبب شهرت بیش از پیش نویسنده اش گردید، نقد و بررسی می شود.

مسالک المحسنين:

این کتاب به طوری که در صفحه اول آن ذکر شده است، در «ربیع الاولی ۱۳۲۳» هجری قمری در «مصر- قاهره» به چاپ رسیده است. مقدمه کتاب تاریخ «۱۲ ربیع الاولی ۱۳۲۲ ه.ق.» را دارد، ولی متن کتاب باید در نیمه اول سال ۱۳۲۱ هجری قمری تمام شده باشد؛ زیرا در متن از «میرزا علی اصغر خان» به عنوان صدراعظم یاد شده است.<sup>۱۰</sup> در حالی که او از رجب ۱۳۲۱ ه.ق. به بعد از صدارت برکنار شده بود. طالبوف این کتاب را به «وزیر بی نظیر و سیاسیدان صائب التبدیر» میرزا علی اصغر خان اتابک تقدیم می کند.<sup>۱۱</sup>

طالبوف قلمی سیال و به دور از هرگونه تکلف دارد، به همین جهت است که او را از «موجدین و بنیانگذاران نثر جدید»<sup>۱۲</sup> و «قائد نهضت نثر ایران»<sup>۱۳</sup> می دانند و خودش نیز لقب «مهندس انشای جدید»<sup>۱۴</sup> را برای خود برگزیده است. در این میان کتاب مسالک



مسافرت اکتشافی بهانه  
و دستاویزی است که  
طالبوف بتواند در خلال آن  
مسائل مختلف اخلاقی و  
اجتماعی و تعلیماتی را  
طرح و اطلاعات خود را در  
هر مورد به صورت بحث و  
مناظره در بین رفقای سفر  
یا کسانی که در طی راه با  
آنها برخورد می‌کنند، بیان  
کند

کتاب «مسالک  
المحسنین» از حیث  
انشاء و زیبایی اسلوب  
بهترین تألیف طالبوف  
است

### آغاز مسافرت با گماوه از کاروانسرا!

تأثیرات فراوانی از مسالک المحسنین پذیرفته است. <sup>۱۶</sup> حسن تقی‌زاده کتب طالبوف را در نضج افکار خود بسیار حائز اهمیت می‌داند. <sup>۱۷</sup> احمد کسروی نیز مطالعه این آثار را در عهد استبداد صغیر از عوامل عمده تحول فکری خود معرفی می‌کند. <sup>۱۸</sup>

اما از طرف دیگر از جانب مخالفین حملات تندی به این اثر طالبوف گردید: مؤلف رساله تذکره الغافل کتاب «مسالک طالبوف» را «طریق اضمحلال تشیع» معرفی می‌کند. <sup>۱۹</sup> حتی میرزا محمد حسین نائینی مشروطه خواه، در رساله تنبیه الامه و تنزیه المله کتاب مسالک المحسنین طالبوف را کتاب «جور و استبدادی» از «کفرستان» روسیه می‌خواند. <sup>۲۰</sup> نگارش این کتاب یکی از عوامل اصلی تکفیر طالبوف چه قبل و چه بعد از مشروطه بوده است. <sup>۲۱</sup>

طالبوف در این کتاب از یک سبک داستان‌نویسی جدید بهره برده است که در نوع خود بی‌نظیر است. خودش معتقد است «این کتاب بدین اسلوب تاکنون در لسان شرق نیامده است و گویا مدتی نیز می‌ماند. بعضی مطالب در او مندرج است که باید مکرر خواند و هر قدر تکرار کنند معنی دیگر نتیجه می‌گیرند.» <sup>۲۲</sup>

کسروی نیز با تعریف و تمجید از مسالک المحسنین می‌آورد: «یک نا آگاهی در آن و اینکه طالبوف این روی کوه‌های البرز را چون آن روی دیگرش جنگل و پردرخت می‌دانست و نه چنین است.» <sup>۲۳</sup> این از آن جهت بود که نویسنده هنگام نگارش کتاب سال‌ها از ایران دور بوده و تنها با قوه تخیل خود راه‌ها و منازل ایران را ترسیم می‌کرده است.

مبدأ سفر معلوم نیست، ولی از کلیات استنباط می‌شود که مسافرت از تهران آغاز شده باشد. این مسافرت اکتشافی بهانه و دستاویزی است که مؤلف بتواند در خلال آن مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی و تعلیماتی را طرح و اطلاعات خود را در هر مورد به صورت بحث و مناظره در میان رفقای سفر یا کسانی که در طی راه با آنها برخورد می‌کنند، بیان کند. سرانجام مسافرت بعد از چندین ماه، مأموریت دشوار خود را انجام داده به مبدأ حرکت خود باز می‌گردند. اما وقتی که رئیس هیأت می‌خواست گزارش کار را به وزیر تقدیم کند و توضیحات لازم را به او ارائه نماید، وزیر با «می‌دانم می‌دانم» کلام او را قطع، و چنین اظهار می‌دارد: «سفیر انگلیس خواسته بود که شما را مأمور کردم... و گرنه برای ما دانستن عرض و طول معدن یخ و ارتفاع قله دماوند لزومی ندارد... ما اول کار زمین را بسازیم بعد به آسمان می‌پردازیم...» <sup>۲۴</sup>

با این همه پایان داستان امیدبخش است، شاه و اتابک «مجلس را گشایش» دادند و «نشر آزادی و مساوات» کردند... در همین هنگام نویسنده داستان از خواب بیدار می‌شود... «خانه تاریک، چراغ مفقود و کبریت نیست. در این ظلمت شب کجا برود و چه بکند؟» تا بیرون خانه قدم بگذارد «دچار عسس» می‌شود و... «از خواب بهتر چیزی نیست» سر خود را به بالین گذاشته دوباره می‌خوابد «تا کی بیدار» شود.

در رویارویی با این اثر طالبوف به مانند دیگر آثارش، واکنش‌های متفاوتی بروز نمود: عبدالرسول کاشانی صاحب رساله انصافیة ضمن تمجید از طالبوف، در نگارش رساله خود

اگر گفته رشید یاسمی را بپذیریم، سبک تحریر این کتاب طالبوف برگرفته از کتاب اورانی نوشته فلاماریون<sup>۲۴</sup> است. البته فلاماریون هم مبتکر این سبک نیست، بلکه او این فکر را از سر همفردیوی انگلیسی که پنجاه سال قبل از او کتابی تحت عنوان آخرین روز یک دانشمند را نگاشت، اخذ کرد. این انگلیسی از علمای شیمی است که در سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۸م. به ایتالیا سفر کرده و عقاید خود را در کیفیت عالم و ترکیب اشیاء به مرور زمان و ترقی و تنزل ملل به صورت مکالماتی بین چند نفر انسان فرضی که به دیدن عمارت خراب و قدیم رم رفته‌اند، بیان کرده است. در سال ۱۸۷۲م. این کتاب را فلاماریون ترجمه کرد و به طبع رسانید و مقدمه مفصلی بر آن نگاشت. کتاب مسالک المحسنین یک تقلید متعبدانه از آن کتاب انگلیسی است و سیاحت در دماوند و مازندران، به جای سیاحت همفردیوی در ایتالیا، اشخاص کتاب مسالک المحسنین دارای همان افکار اشخاص کتاب فوق‌الذکر هستند<sup>۲۵</sup> باید گفت که فلاماریون به طور مستقیم و مصنف انگلیسی به طور غیر مستقیم در طالبوف تأثیر گذاشته‌اند.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- افشار، ایرج. به نقل شفاهی از حسن تقی‌زاده، «طالبوف»، یغما، شماره ۴، تیرماه ۱۳۳۰، صص ۱۵ و ۲۱۴.
- ۲- کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۵۴، ص ۱۳۴.
- ۳- بهرامی، عبدالله: خاطرات عبدالله بهرامی (از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا)، بی‌جا، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، ص ۲۵.
- ۴- کسروی، احمد، همان، ص ۴۵؛ همچنین ر.ک: ملک‌زاده، مهدی: تاریخ مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ جلد اول، ص ۲۳۷.
- ۵- ملک‌زاده، مهدی، همان صص ۱۹۰ و ۱۹۱.
- ۶- کسروی احمد، همان، صص ۴۴ و ۴۷.
- ۷- روزنامه شمس، شماره ۱۸، سال سوم، ۲۳ ربیع‌الآخر، ۱۳۲۹.
- ۸- «روزنامه ملی» (انجمن تبریز)؛ سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۹.
- ۹- بحران دموکراسی در مجلس اول، خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضل‌علی آقا تبریزی، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۲ ص ۴۸.
- ۱۰- طالبوف، عبدالرحیم، «مسالک المحسنین» با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، انتشارات شبگیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶، صص ۲۸۵ و ۲۸۶.
- ۱۱- همان، ص ۵۷. همچنین کتاب سیاست طالبی را اول بار به سال

- ۱۳۱۹ هجری قمری در بادکوبه اتابک اعظم اهدا نمود. ر.ک: طالبوف، عبدالرحیم، مسائل الحیات، تفلیس، مطبعه غیرت، ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۱۱۱.
- ۱۲- افشار، ایرج، «طالبوف» پیشین، ص ۲۱۴.
  - ۱۳- رشید یاسمی، غلامرضا، «طالبوف و کتاب احمد» مجله ایرانشهر، سال ۱۳۰۲، شماره ۵ و ۶، ص ۲۸۳.
  - ۱۴- طالبوف، عبدالرحیم: سه مکتوب به علی اکبر دهخدا و یوسف اعتصام‌الملک، مجله بهار، سال اول، ۱۳۲۹، ص ۵۵۳.
  - ۱۵- ر.ک: طالبوف، عبدالرحیم: مسالک المحسنین، ص ۲۹۰ و بعد از آن.
  - ۱۶- کاشانی، ملاعبدالرسول، رساله انصافیه در: «رسایل مشروطیت»، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۴، ص ۵۸۷.
  - ۱۷- نقی زاده، حسن: زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۲۷.
  - ۱۸- کسروی، احمد: زندگانی من، تهران، نشر و پخش کتاب، ۱۳۵۵، ص ۴۶.
  - ۱۹- تذکره الغافل، از مؤلف نامعلوم، «رسایل مشروطیت»، ۱۷۹ و ۱۸۰.
  - ۲۰- آدمیت، فریدون: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵، ص ۲۴۰.
  - ۲۱- طالبوف بعد از به ثمر رسیدن نهضت مشروطیت نیز مورد حمله مخالفان واقع گردید. شاهزاده «کامران میرزا» کتاب مسالک المحسنین را از جمله کتب «ضالّه» خواند و در تبریز هم مخالفت‌هایی با او صورت گرفت. ر.ک: روزنامه «ندای وطن»، ربیع‌الاولی ۱۳۲۵ ه.ق. شماره ۲۸.
  - ۲۲- طالبوف، عبدالرحیم: «مکتوب‌های چاپ نشده از طالبوف به معاون الدوله» به اهتمام ایرج افشار، راهنمای کتاب، سال ۱۲، ۱۳۴۹، ص ۵۸۰.
  - ۲۳- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۵.
  - ۲۴- کامیل فلاماریون، دانشمند و متجم بزرگ فرانسوی معاصر با طالبوف است. طالبوف با آثار و اندیشه‌های او آشنا بوده است و قبلاً «رساله هیئت جدید». را از این دانشمند فرانسوی از زبان روسی به فارسی ترجمه کرده بود. ر.ک: فلاماریون کامیل، «رساله هیئت جدید» ترجمه از فرانسه به روسی «ب. چارکسوف» ترجمه از روسی به فارسی «عبدالرحیم طالبوف». اسلامبول، مطبعه اختر، ۱۳۱۲ ه.ق.
  - ۲۵- رشید یاسمی، غلامرضا «طالبوف و کتاب احمد» ص ۲۸۸.

عبدالرسول کاشانی  
صاحب «رساله  
انصافیه» ضمن تمجید  
از طالبوف، در نگارش  
رساله خود تأثیرات  
فراوانی از مسالک  
المحسنین پذیرفته  
است